

ما و مام وطن

درباره تسری نسلی وطن پرستی



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

زیستن زیر بمباران جنگ و وحشت جان به‌در بردن از این مهلکه شومی که کشوری متجاوز بر ما و این کشور تحمیل کرده، تجربه‌ای است که شاید برای بخش زیادی از هم‌وطنان ما تازگی دارد. حقیقت این است که هیچ معمول نیست که راجع به نسل‌های یک کشور، شناخت، ارزیابی‌شان و اینکه چه هستند و چه نیستند، تجربه جنگ را ملاک قرار دهیم. هیچ کدام از میلیون‌ها ایرانی که در سده‌ده اخیر به دنیا آمده‌اند، به‌مخيله‌شان هم خطور نمی‌کرد که روزی جنگ و دست‌اندازی به خاک و زادگاه‌شان را به چشم ببینند و به هر چه و هر که می‌شناسند و می‌پرستند، دست‌پیابیزند که بلکه این آتشی که نامردمان روشن کرده‌اند، زودتر خاموش شود تا بسا کمتر جانی بی‌جان، کمتر خانه‌ای ویران و کمتر اشکی از چشمی روان شود. جنگ پدیده‌ای غریب است که خوب می‌دانیم با ما و آنچه داریم، چه می‌کند. اما خیلی وقت‌ها حسایی همه‌مان را شگفت‌زده می‌کند. آنجا که حرف از مام‌وطن، عشق به میهن و پرستیدن خاک به میان می‌آید، اینکه جنگ ضمیر وجود و گوهره آدمی را چنین عیان می‌کند، دشوار است و در باور نمی‌گنجد. این روزها دلمان گرم است به همین غریزه‌ای که در نهاد صاحبان و ساکنان این خاک بیدار شده است. یک شور، یک حس درونی که گرچه با هنگامه سخت جنگ نمی‌خواند و جور در نمی‌آید، اما پیش‌برنده و امیدوارکننده است. اینکه هر کسی که دل در گرو ایران و میهن دارد به هر روشی که می‌شناسد دل‌بستگی‌اش را به ایران بیان می‌کند، برای همه ما آموختنی‌های بسیاری دارد. این روزها شبیه به رسیدن موعد اعلام موضع همگانی درباره موجودیتی به‌نام میهن است. چه بسیار چهره‌ها، نام‌ها و شخصیت‌هایی که طی هشت روز گذشته پا به میدان نهاده و از بزرگی، شکوه، تاریخ و میراث ایران و سابقه اتحاد، همدلی و همبستگی ملت ایران صحبت کرده‌اند یا چیزی نوشته‌اند. کیست که نداند چنین رغبت، اشتیاق و دل‌بستگی‌ای به ایران و آرزومندی برای تعالی و گذران تیرگی‌های جنگ و هم‌نوایی برای آن، چه عاطفه‌هایی را از درون همه ما بیرون کشیده و رو آورده است. منظورم در اینجا ارزش داوری درباره خوب یا بد بودن میهن‌پرستی و ملی‌گرایی نیست، بلکه مرادم این است که در موقعیت جنگی اخیر که افراد جامعه ترجیح می‌دهند به جای «فهم سیاسی» جانب موجودیتی به‌نام کشور و تمامیت آن را بگیرند و همه چیز را برای ماندن آن بخواهند، چیزی است وای نسل و مفاهیم آن. نسل‌های جوان این روزها بهتر و بیشتر درک می‌کنند که صحبت کردن از وطن، اهمیت در کنار یکدیگر ماندن و پاسداری از خاک، چه مفهومی دارد. در این فضا که دشمن قسم‌خورده و وطن‌فروشان دست به هر اقدامی می‌زنند که ایران را به زانو درآورند، میهن‌پرستی و عشق به کشور و خاک آن، سکه رایجی است که این روزها همه مردم ایران -از نسل‌های مختلف- به ارزش آن پی برده‌اند. فکر می‌کنم امروز و در این موقعیت که کیان کشور و سالم و سرپا نگه‌داشتن بنیاد آن مطرح است، نسل‌های جوان هم خوب می‌فهمند که چرا و چطور باید از اعماق وجودشان و به تعبیری با «عقل گرم‌شان»، حب وطن و دوستداری مملکت را بر هر سمت دیگری ترجیح دهند. چه بسیار امروز از زبان همین نسل‌ها می‌شنویم که می‌گویند، یک انتخاب بیشتر وجود ندارد و آن ایران است. درک مفهوم وطن و دفاع از خطه و ارض ایران البته مبنای انکار یا چشم‌پوشی از تمام دشواری‌ها، یا بی‌ثباتی‌ها و مشکلات ریز و درشتی که کشور با آن روبه‌روست و هر آینه هم بر آنها افزوده می‌شود، نیست. رخدادی به‌نام جنگ نظم، روال، قاعده و سامان زندگی همه ما را به‌شکلی تغییر داده که هیچ پسنندمان نیست و می‌خواهیم زودتر تمام شود اما هم‌زمان یک استحاله درونی هم در ما رخ داده است. این روزها صدای طبل جنگ، گوش را کر می‌کند و دهشت و وحشت به جان می‌اندازد، اما همه ما از پسر و جوان، زن و مرد و کوچک و بزرگ با زبانی که از دل برمی‌آید، زادیوم و خانمان ایران را عزیزتر و ارجمندتر از هر چیزی می‌دانند. خاصیت جنگ همین است، اما اتحاد، اتفاق و یگانه‌خواهی امروز قشرهای ایرانی، سوای اینکه از کدام نسل‌اند و به کدام دهه و کدام دوره تعلق دارند، سرافرازی است، سرپلندی و تفاخر.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریم‌ساجی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

سمفونی خطوط

کیوان زرگری



وطن، بهترین پناهگاه ایرانیان

کنار میهنم هستم، به همین سادگی

در روزهای گذشته چهره‌ها و شخصیت‌های مختلف تعهد، ایمان و باورشان به ایران و دل‌دادگی‌شان به وطن را نشان داده‌اند. رضا میرکریمی، نویسنده و کارگردان سینمای کشور نیز با انتشار ویدئویی اعلام کرد که در سمت مردم و ایران می‌ایستد. کارگردان فیلم «خیلی دور، خیلی نزدیک»، «به همین سادگی» و «به حبه قند» در این ویدئو گفت که به کمپین «به‌نام ایران» می‌پیوندد. میرکریمی در این پیام تصویری گفت: «من به کمپین به‌نام ایران، همبستگی ملی، دفاع میهنی می‌پیوندم. دلیل این انتخاب هم واضح است، فکر می‌کنم هر ایرانی آزاده‌ای می‌تواند تشخیص دهد که امروز فقط دو گزینه و دو سمت وجود دارد که یک سمت آن میهن عزیزمان است. در زندگی‌ها حسرت‌هایی هست که به‌خاطر نگرفتن تصمیم‌های درست در لحظات درست تا آخر عمر، روح‌ما را آزار می‌دهد. من نمی‌خواهم دچار این حسرت شوم. امروز می‌خواهم تصمیم درست را بگیرم و کنار میهنم باشم. به همین سادگی».



تاریخ

برکناری بنی‌صدر



۳۱ خردادماه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی با رأی قاطع حکم به برکناری ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت داد. در این روز و بعد از برگزاری دو جلسه مجلس، طرح

دوفوریتی عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر به تصویب رسید. این طرح ۱۱ روز پس از آنکه امام خمینی، بنی‌صدر را از سمت فرماندهی کل قوا برکنار کرد، به تصویب نمایندگان رسید. مهمترین دلیل بر عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر از سوی نمایندگان مجلس، «وضع‌گیری او علیه نظام جمهوری اسلامی و اتحاد با نیروهای ضدانقلاب و وابسته به شرق و غرب جهت نابودی نظام اسلامی، همچنین مخالفت مستمر او با مجلس شورای اسلامی از بدو تأسیس و حتی پیش از افتتاح آن، دخالت صریح در قوه قضائیه و عدم درک صحیح از بدیهی‌ترین اصول قانون اساسی و نیز عدم اعتقاد به اصل تفکیک قوا» اعلام شد. در این جلسه نمایندگانی چون ابراهیم یزدی، مهندس بازرگان، احمد سلامتیان، عزت‌الله سحابی و چند نفر دیگر حضور پیدا نکردند.

تجاوز در لباس جنگ پیش‌دستانه

را افزایش می‌دهد. حامیان این نوع جنگ استدلال می‌کنند که سلاح‌های کشتار جمعی، وضعیت را تغییر داده‌اند. مایکل والزر که ابتدا مخالف جنگ پیش‌دستانه بود، بعداً گفت این سلاح‌ها فاصله بین جنگ پیشگیرانه و پیش‌دستانه را کم کرده‌اند. با این حال، این استدلال قابل نقد است؛ زیرا بین ساخت این سلاح‌ها و استفاده خصمانه از آن‌ها فاصله زیادی وجود دارد. بسیاری از کشورها دهه‌هاست سلاح هسته‌ای دارند، اما تنها ایالات متحده از آن استفاده کرده است.

مفهوم کشورهای باغی و نقد آن: دیوید لویان اخیراً از جنگ پیش‌دستانه علیه «کشورهای باغی» دفاع کرده و آن‌ها را کشورهایی با ایدئولوژی نظامی‌گری، سابقه خشونت و ظرفیت تهدیدآمیز تعریف می‌کند. اما این مفهوم مبهم و خطرناک است. اصطلاح «کشور باغی» برای کشورهایی مانند لیبی و کوبا به کار رفته، اما با توجه به سابقه مداخلات ایالات متحده (۲۴۰ مداخله در این قرن) و اسرائیل (مداخله در ۲۲ کشور) و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، خود این کشورها نیز می‌توانند کاملاً در این تعریف جای گیرند. بنابراین اگر قرار به مداخله پیش‌دستانه باشد، این مداخله باید علیه ایالات متحده یا اسرائیل باشد، نه ایران.

نتیجه‌گیری و موضع‌گیری در برابر تجاوز

در برابر این تجاوز اسرائیل که تحت عنوان «جنگ پیش‌دستانه» انجام شده، چه باید کرد؟ جان استوارت میل در باب مبارزه‌ی آمریکاییان شمالی علیه جنوب برده‌دار در جنگ داخلی، عبارتی درخشان دارد: «جنگ پدیده‌ای زشت است، اما نه زشت‌ترین پدیده؛ وضع و حال رو به زوال و تحقیرشده‌ی حس اخلاقی و میهن‌پرستانه که این عقیده را القاء می‌کند که هیچ چیز ارزش جنگیدن را ندارد، بدتر از همه است... انسانی که چیزی ندارد که بخواهد برایش بجنگد، چیزی که بیش از سلامتی و امنیت شخصی‌اش برایش اهمیت داشته باشد، چنین انسانی موجودی نگون‌بخت است که از امکان آزاد بودن بر خوردار نیست، مگر آنکه این آزادی از طریق جد و جهد انسان‌های بهتر از خودش سرشته و صیانت شود.»

این نقل قول نشان می‌دهد که در برابر ظلم و تجاوز، مبارزه برای حفظ ارزش‌ها و آزادی، حتی به قیمت جنگ، ضروری است. بنابراین مقاومت در برابر این تجاوز نه تنها حق، بلکه وظیفه‌ای اخلاقی و میهن‌پرستانه است.

خطرات و محدودیت‌های مداخله بشردوستانه: جنگ‌هایی که با توجیه اخلاقی انجام می‌شوند، باید با دقت بررسی شوند. تاریخ نشان می‌دهد که جنگ‌های مذهبی، تجاری یا امپریالیستی اغلب به فاجعه بزرگی منجر شده‌اند. حتی مداخلاتی با نیت «کمک» می‌توانند نتایج فاجعه‌بار داشته باشند؛ مانند تهاجم آمریکا به کوبا در سال ۱۸۹۸ که مایکل والزر به آن اشاره کرده است. گسترش توجیهات جنگ خطرناک است، زیرا می‌تواند شرایط جنگ عادلانه (مانند شناسن موقعیت) را نقض کند. مداخلات بشردوستانه اغلب به دلیل عدم درک پیچیدگی‌های فرهنگی و سیاسی محلی، با شکست مواجه می‌شوند. همچنین نادیده گرفتن حاکمیت دیگران در حالی که از حاکمیت خود دفاع می‌کنید، به ریاکاری منجر می‌شود؛ مشکلی که در دوران استعمار نیز دیده می‌شد.

پیشنهاد محدودسازی مداخله: برای رفع این مشکلات، برخی حامیان مداخله‌ی بشردوستانه پیشنهاد می‌کنند که مداخله تنها در موارد شدید مانند نسل‌کشی یا کشتار گسترده توجیه شود. دیوید لویان که پیش‌تر دیدگاهی بازتر داشت، اکنون معتقد است تنها «بربریت» شدید می‌تواند چنین جنگ‌هایی را توجیه کند. بر این اساس، اگر قرار به مداخله بشردوستانه باشد، این مداخله باید علیه اسرائیل صورت گیرد که متهم به نسل‌کشی است، نه علیه ایران.

جنگ پیش‌دستانه: توجیهی بحث‌برانگیز و خطرناک

تفاوت جنگ پیش‌دستانه و پیشگیرانه: جنگ پیش‌دستانه با جنگ پیشگیرانه متفاوت است. جنگ پیش‌دستانه گاهی قابل توجیه است، زیرا می‌تواند به عنوان دفاع از خود تلقی شود؛ مثلاً اگر تهدیدی قریب‌الوقوع وجود داشته باشد، مانند فردی که با تبر به شما حمله می‌کند. اما جنگ پیشگیرانه با تهدیدات دور و نامشخص سروکار دارد و اغلب راه‌حل‌های غیرخشونت‌آمیز برای آن وجود دارد. هنری سيجویک، فیلسوف، هشدار داده که جنگ پیشگیرانه می‌تواند به بهانه‌ای برای حمله به همسایگان قوی‌تر تبدیل شود و صرفاً از ترس، نه تهدید واقعی، ناشی شود.

خطرات گسترش جنگ پیش‌دستانه: یکی از مشکلات جنگ پیش‌دستانه این است که اگر کشوری از آن استفاده کند، دیگران نیز ممکن است از این توجیه پیروی کنند و این امر خطر جنگ‌های ناعادلانه



جواد حیدری

استاد علوم سیاسی

در این جستار، به بررسی مفهوم مداخله نظامی و جنگ پیش‌دستانه در پی تجاوز اسرائیل به ایران در بامداد ۲۳ خردادماه می‌پردازم. اسرائیل این اقدام را «جنگ پیش‌دستانه» نامیده است. مداخله نظامی در سیاست بین‌الملل پدیده‌ای آشنا و در عین حال تلخ و تأمل‌برانگیز است که معمولاً با دو توجیه اصلی صورت می‌گیرد: مداخله بشردوستانه و جنگ پیش‌دستانه. در این متن، با تکیه بر دیدگاه‌های سی. ای. جی. کوادی (C. A. J. Coady)، این دو توجیه تحلیل می‌شوند و درنهایت موضعی در برابر این تجاوز پیشنهاد می‌شود.

مداخله‌ی بشردوستانه: توجیهی اخلاقی با چالش‌های فراوان

مفهوم و جذابیت اولیه: مداخله‌ی بشردوستانه در نگاه اول ایده‌ای قوی و قابل دفاع به‌نظر می‌رسد. زمانی که بخشی از جمعیت یک کشور در معرض نسل‌کشی، بردگی یا آزار شدید توسط دولت خود قرار دارد، منطقی است که نیروهای خارجی برای جلوگیری از این جنایات وارد عمل شوند. اگر قربانیان بتوانند از خود دفاع کنند، حق دارند این کار را انجام دهند؛ پس چرا دیگران نباید به کمک آن‌ها بیایند؟ نمونه‌ی بارز این موضوع، نسل‌کشی روانداست که عدم مداخله سازمان ملل در آن، کوفی عنان را وادار به عذرخواهی کرد و منجر به توسعه‌ی دکترین «مسئولیت حفاظت» (RtoP) شد. البته مداخله نظامی تنها بخشی از این دکترین است و شاید مهم‌ترین بخش آن نباشد.

تحول تاریخی و چالش حاکمیت: در گذشته، برخی فیلسوفان معتقد بودند جنگ می‌تواند برای اصلاح ظلم‌های بزرگ، حتی بدون تجاوز مستقیم، توجیه شود. اما پس از جنگ جهانی دوم، ایده‌ی دفاع از خود به‌عنوان تنها توجیه مشروع جنگ غالب شد و جنگ‌های تهاجمی محکوم شدند. این تغییر، مفهوم حاکمیت ملی (حق هر کشور برای اداره امور خود بدون دخالت خارجی) را به‌عنوان پایه‌ای برای صلح تقویت کرد. با این حال، برخی استدلال می‌کنند که حاکمیت باید مشروط به رعایت حقوق بشر باشد؛ یعنی اگر دولتی این حقوق را نقض کند، از حمایت بین‌المللی محروم می‌شود.